خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهیم و طالب خدایی هست.

مزمور ۱۴: ۲

مشکل با علم

زمانی که خدا از آسمان با خداوند ما عیسای مسیح صحبت کرد، انسانِ خودبین و مغروری که آن را شنید، تلاش کرد آن را با دلایل طبیعی تفسیر کند و گفت «رعد شد!» (یوحنا ۱۲: ۲۹). این عادت به توضیح صدا با توسّل به قوانین طبیعت، ریشه در علم نوین دارد. در کیهانی که زنده است و نفس می‌کشد، چیزی مرموز و اسرارآمیز وجود دارد، چیزی که درک آن برای هر ذهنی بسیار شگفت‌انگیز، مهیب و ترسناک است.

انسانِ با ایمان، ادعایی برای فهمیدن نمی‌کند. او بر روی زانوهای خود می‌افتد و نام خداوند را زمزمه می‌کند. انسانی که از آنِ دنیا است هم زانو می‌زند ولی نه برای پرستش! او زانو می‌زند تا آزمایش کند، تحقیق کند و دلیل و چگونگی به انجام رسیدن اتفاقات را پیدا کند.

واقعیت این است که ما اکنون در دنیایی غیر روحانی و دور از خداوند زندگی می‌کنیم. نحوه تفکر و جهان‌بینی ما این شده است که دانشمندان چه می‌گویند تا این که مردان با خدا و پرستندگان خداوند چه می‌گویند! بیشتر به دنبال این هستیم که توضیح دهیم تا این که پرستش کنیم. فریاد می‌زنیم و می‌گوییم «رعد شده!» و راهی را که دنیا می‌پسندد در پیش می‌گیریم. ولی آن صدا هنوز وجود دارد و به دنبال گوش‌های شنوا می‌گردد. تمام بنیاد و استحکام دنیا بر اساس و به خاطر آن صدا است ولی انسان پرمشغله‌تر و لجوج‌تر از آن است که به آن توجه کند.

## ای پدر آسمانی، من ادعا نمی‌کنم که همه چیز را درباره تو متوجه شده‌ام بلکه در مقابل تو زانو می‌زنم نام تو را زمزمه می‌کنم. امروز به من قلبی عطا کن که به جای تحقیق درباره علت و چگونگی کارهای تو، عظمت و عشق بی‌قیدوشرط تو را ببینم و بیشتر از گذشته تو را پرستش و ستایش کنم. آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*